

خودکشی کارگران قتل عمد سرمایه داری است



صحنه ای از خود سوزی کارگر ساختمانی هوشنگ بازوند در کرمانشاه سال گذشته

صدای انترناسیونالیستی

E-mail: contact@internationalistvoice.org

Homepage: www.internationalistvoice.org

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

در هر ۱۵ ثانیه یک کارگر، یک بردهٔ مزدی در گوشه ای از این کرهٔ خاکی سر بر خاک می افتد، هر روز ۳ هزار کارگر در محل های کار قتل عام می شوند. [۱] در هیچ جنگی روزانه چنین تعدادی قتل عام نمی شوند جز جنگ طبقاتی بین کار و سرمایه. در ماههای اخیر با بدتر شدن شرایط کار و شرایط زندگی و بخصوص فشار اقتصادی کمر شکن، زندگی برای کارگران غیر قابل تحمل شده است. میلیونها عضو این طبقهٔ اجتماعی بخاطر زیر خط فقر بودن، به خاطر گرسنه بودن، هر روز شرمندهٔ زن و بچه هایشان هستند. میلیونها عضو این طبقهٔ اجتماعی بخاطر فشارهای ناشی از سختی کار، فرودستی محل کار، تحقیر و توهین محل کار قادر به ادامه زندگی نیستند. در نتیجه کارگران به شکل خودکشی به زندگی برده وار خویش واکنش نشان داده و اعتراض می کنند. خودکشی کارگران دیگر به یک خبر عادی در صفحات روزنامه ها یا رسانه های اجتماعی تبدیل شده است.

تیر همهٔ خودکشی ها بیانگر نوعی اعتراض است. یک کارگر قراردادی شرکت آب و فاضلاب در لاهیجان که از کار برکنار شده بود، در اعتراض خودسوزی کرد. یک کارگر در شهر لنده استان کهگیلویه و بویراحمد به دلیل ناتوانی در تأمین پول ودیعه برای اجاره مسکن به زندگی خود پایان داد. کارگر اخراجی اهل شهر چوار از توابع ایلام با اسلحه به زندگی خود پایان داد. خودسوزی یک کارگر در یاسوج به دلیل ناتوانی در پرداخت بدهی ۱۰ میلیون تومانی. کارگر شرکت دخانیات گرگان در اعتراض به تنبیه انضباطی و تویخ در محل کار خودش را آتش زد. خودکشی دو کارگر پتروشیمی فارابی بخاطر اخراج از کار. اقدام به خودکشی یک کارگر در شرکت پادنا پلیمر در شهر صنعتی البرز استان قزوین. خودکشی...

در قیاس با اشکال دیگر خودکشی، اقدام به خودسوزی یک نوع شورش، یک نوع طغیان و یک نوع اعتراض به وضعیت ناهنجار است. در سالهای اخیر با خراب شدن بیشتر زندگی کارگران و با شدت یافتن فقر، نرخ خودکشی در محیط های کارگری و در میان خانواده های کارگری افزایش چشمگیری یافته است. تورم لجام گسیخته، بیکاریهای گسترده، دستمزدهای معوقه و... بخش بیشتری از طبقه کارگر را به زیر خط فقر مطلق سوق داده است. لذا سرمایه داری نه تنها به عنوان قتل عمد مسئول خودکشی ها بلکه مسئول مرگ میلیونها انسان است که شرایط زندگی به آنها تحمیل میکند. انگلس در بررسی خود در کتاب «وضع طبقه کارگر در انگلستان» این مسئله را به روشنی توضیح میدهد:

"زمانی که فردی به فردی دیگر آسیب جسمی وارد می آورد، آن هم آسیبی که به مرگ وی بیانجامد، این را ما قتل غیر عمد می نامیم، و هنگامی که شخص ضارب از پیش بداند که آسیب وارده به مرگ طرف مقابل منجر خواهد شد، آنگاه عمل او را قتل عمد مینامیم. هنگامی که جامعه صد ها پرولتر را در چنان وضعی قرار می دهد که آن ها بطور حتم به دام مرگی زودرس و غیر طبیعی می افتند، مرگی به همان اندازه ناشی از اعمال خشونت که مرگ در اثر شلیک گلوله و یا به ضرب شمشیر، وقتی جامعه هزاران انسان را از شرایط لازم حیات محروم ساخته و آن ها را در شرایطی قرار می دهد که در آن قادر به زندگی کردن نیستند، وقتی که آنها را به زور چوب قانون مجبور می سازد که در این شرایط بمانند تا مرگ که نتیجه اجتناب ناپذیر این شرایط است فرا رسد، وقتی جامعه می داند و به خوبی هم می داند که این هزاران نفر اجبارا قربانی این شرایط خواهند شد، و با وجود این، شرایط مربوطه را برقرار نگاه می دارد، این عمل جامعه یک نوع قتل عمد است، درست مثل قتل عمد توسط یک فرد؛ قتلی پنهانی و خائفانه، قتلی که هیچ کس نمی تواند در قبال آن از خویشتن دفاع کند. قتلی که ظاهرا قتل نیست، زیرا که کسی قاتل را نمی بیند، زیرا که مرگ این قربانی چونان مرگی طبیعی به نظر می آید چرا که در آن، تعرض به عمل آمده بیشتر ناشی از بی عملی است تا انجام وظیفه. ولی در هر حال در اینجا ارتکاب به قتل عمد، محرز است."

خودکشی کارگران اعتراض طبقاتی اما فردی کارگران به شرایط زندگی غیر انسانی خود است. خودکشی یا این نوع اعتراض چاره کار و یا راه حل نیست. به جای آن باید بر همبستگی طبقاتی کارگران و اعتراض جمعی تاکید کرد. آیا اصولا فرقی می کند که کارگران مستقیما خودکشی کنند یا توسط نظام بربر سرمایه داری و با مرگ تدریجی و گرسنگی تباه شوند؟ آیا مرگ تدریجی هم طبقه ای هایمان که بنوعی همراه با شکنجه سیستماتیک از سوی نظام سرمایه داری است کشتار تداوم یافته نیست؟

همزنجیران!

خودکشی راه حل نیست و نباید تداوم یابد. ناجی و رهاننده ای در کار نیست، نه خدا، نه شاه، نه قهرمان، رهائی کارگران تنها بدست خود کارگران امکان پذیر است. دفاع از سطح معیشت ما، تنها از طریق مبارزه طبقاتی امکان پذیر است. ما در اعتراضات خود تنها میتوانیم به قدرت طبقاتی خود متکی شویم. ما تنها با گسترش مبارزه به دیگر صنایع و کسب همبستگی برادران و خواهران طبقاتی خود می توانیم خواسته های خود را به بورژوازی تحمیل کنیم. تنها از زمین طبقاتی خود قادر خواهیم بود حملات بورژوازی را دفع نمائیم. تنها در سایه مبارزه و همبستگی طبقاتی است که

خالقان نعمات بشری میتوانند نه تنها از سطح معیشت خود دفاع کنند بلکه زمینه را برای محو بردگی
مزدی مهیا سازند.

تا بردگی مزدی هست، تا نظام توحش سرمایه داری هست ما نه تنها باید شاهد چنین جنایاتی بلکه از
آن بدتر شاهد مرگ تدریجی و شکنجه وار همزنجیرانمان در جای جای این کره خاکی باشیم.
رهائی ما از جنایات روزانه سرمایه داری تنها از طریق به زیر کشیدن نظام بربر و کثیف سرمایه داری
امکان پذیر است.

فیروز اکبری

۲۷ مرداد ۱۴۰۱

یادداشت:

[۱] https://www.ilo.org/global/about-the-ilo/newsroom/news/WCMS_007969/lang--en/index.htm